

## بررسی رابطه بین توانمندسازی منابع انسانی با تحقق اقتصاد مقاومتی

غلامعباس شکاری، شیما صفرمحمدلو

۱ استادیار، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

۲ کارشناس ارشد، دانشکده مدیریت، دانشگاه آزاد اسلامی واحد مشهد، ایران

---

### چکیده

هدف تحقیق حاضر بررسی ارتباط بین توانمندسازی کارکنان و اقتصاد مقاومتی می باشد. بنابراین می توان اظهار نمود که این تحقیق از نوع کاربردی بوده و با توجه به وجود متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش و بررسی تاثیرات آنها بر هم، روش تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی می باشد. جامعه آماری این تحقیق شامل ۱۱۹۵۱ نفر از کلیه کارکنان ادارات دولتی شهرستان مشهد می باشد. حجم نمونه در تحقیق حاضر براساس فرمول کوکران و در سطح خطای ۰.۰۵ برابر ۳۸۴ نفر محاسبه گردیده است. به منظور گردآوری اطلاعات از دو پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه توانمندسازی اسپریتزر در پنج بعد: احساس شایستگی در شغل، احساس داشتن حق انتخاب، احساس ارزشمندی، احساس معنی داری و احساس امنیت می باشد. همچنین سوالات پرسشنامه ی اقتصاد مقاومتی بر اساس مولفه های ذکر شده در بیانات مقام معظم رهبری تدوین شده است. با توجه به یافته های تحقیق مشاهده شده که بین توانمندسازی منابع انسانی و تحقق اقتصاد مقاومتی رابطه ای معنی دار و مستقیم به میزان ۰/۵۸۳ وجود دارد.

**واژه های کلیدی:** اقتصاد مقاومتی، توانمندسازی، احساس شایستگی، حق انتخاب، احساس موثر بودن، احساس ارزشمندی، احساس امنیت.

---

## ۱- مقدمه

در جامعه جمهوری اسلامی ایران وابستگی به تولیدات خارجی و درآمد حاصل از فروش نفت همواره بزرگترین مانع پیشرفت اقتصادی و فرهنگی در جامعه بوده و می باشد. از سوی دیگر در طی سه دهه گذشته دشمنان اسلام و ایران با بهانه های واہی و عاری از منطق، تلاش بی سابقه ای را برای نابودی ملت آغاز نموده اند. در این راه غرب با شناخت شرایط اقتصادی ایران و وابستگی به درآمد نفت همواره کوشیده است با توسل به تحریم اقتصادی ملت ایران را به زیر سلطه ی خود درآورد. چنین بنظر می رسد یکی از مهمترین راهکار دائمی ارائه شده برای حذف این معضل اقتصاد مقاومتی است که سوی مقام معظم رهبری جهت برون رفت از زیر بار وابستگی و تحریم های غیر انسانی غربی ها ارائه شده است، اقتصادی که بر اساس آموزه های دینی یا اقتصاد اسلامی، عدالت، گردش سالم اقتصادی، اعتدال در مصرف، ممنوعیت انحصار و تمرکز ثروت و برپایه ی کار و تولید ملی باشد.

اقتصاد مقاومتی<sup>۱</sup> به معنی تشخیص حوزه های فشار و متعاقباً تلاش برای کنترل و بی اثر کردن آن تاثیرها می باشد و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت است همچنین برای رسیدن به اقتصاد مقاومتی باید وابستگی های خارجی کاهش یابد و بر تولید داخلی کشور و تلاش برای خوداتکایی تاکید گردد. طبق نظر دولتمردان ایران در تعریف اقتصاد مقاومتی، ضرورت مقاومت برای رد کردن فشارها و عبور از سختی ها برای رسیدن به نقاط مثبت ملی نیاز است.

اقتصاد مقاومتی به مثابه ی «اقتصاد موازی» است؛ یعنی همان طور که انقلاب اسلامی با توجه به نیاز خود به نهادهایی با روحیه و عملکرد انقلابی، اقدام به تأسیس نهادهایی مانند کمیته ی امداد، جهاد سازندگی، سپاه پاسداران و بنیاد مسکن نمود، امروز نیز بایستی برای تأمین اهداف انقلاب، این پروژه را ادامه داده و تکمیل کند؛ چرا که انقلاب اسلامی به اقتصاد مقاومتی و به نهادهای مقاومتی در اقتصاد نیاز دارد که چه بسا ماهیتاً از عهده ی نهادهای رسمی اقتصادی بر نمی آید. پس باید نهادهایی موازی برای این کارویژه ایجاد کند؛ یعنی انتظار می رود در جمهوری اسلامی ایران به «اقتصاد پریم» نیاز دارد.

## ۲- بیان مساله

در عرصه اقتصادی کشور اسلامی ایران شاهد رویارویی با گفتمانی جدید در حوزه اقتصادی با عنوان اقتصاد مقاومتی<sup>۱</sup> می باشیم. اکنون اقتصاد کشور هم از فضای جهانی تأثیر می پذیرد و هم به دلیل قدرتی که در حوزه های مختلف علمی، سیاسی و انرژی به دست آورده یا از قبل داشته است، بر آن اثر می گذارد. با توسعه تحریم اقتصادی علیه ایران، یک ضرورت بیش از پیش نمایان شده و آن دستیابی به یک الگوی مقاومتی از اقتصاد است؛ الگویی که در برابر بحران های اقتصادی رویکردی فعالانه دارد و می تواند در شرایط بحرانی موانع را برطرف کند. در حال حاضر مشکل اصلی پایین بودن بهره وری ملی است همچنین لازم بذکر است که پایین بودن بهره وری ملی همراه با فشار تحریم همراه شده است و به همین دلیل برای برون رفت از افت بهره وری ملی توجه به اقتصاد مقاومتی بسیار حائز اهمیت است. اقتصاد مقاومتی چشم اندازی کلان در جریان اقتصاد ایران اسلامی است و اقدامی بلندمدت را در راستای این چشم انداز شامل می شود. البته تحریم اقتصادی علیه ایران مربوط به سال های اخیر نیست. اولین تحریم اقتصادی ایران ۳۰ سال پیش و در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی از سوی ایالات متحده صورت گرفت که منجر به مسدود شدن اموال کشورمان در بانک های غربی شد.

در این بین نمی توان نقش منابع انسانی سازمان ها را به عنوان عاملی تأثیر گذار نادیده گرفت، همچنین در موضوع بهره وری ملی منابع انسانی بسیار حائز اهمیت است. نیروی انسانی فعال و کوشا می تواند مولد و کارا باشد و تمام جنبه های مرتبط با

<sup>1</sup> Resistive economy

حوزه های فشار را تحت تاثیر قرار دهد. توانمند سازی منابع انسانی می تواند عاملی موثر و تاثیر گذار در پیشبرد اهداف اقتصادی خصوصا در رابطه با آرمان بزرگ اقتصاد مقاومتی باشد. حال نکته ای که بسیار حائز اهمیت است رابطه ای می باشد که بین توانمند سازی منابع انسانی و اقتصاد مقاومتی بر قرار است. توانمندسازی نیروی انسانی مفهومی روان شناختی است که به حالات، احساسات و باور افراد به شغل و سازمان مربوط می شود و به عنوان فرایند افزایش انگیزش درونی تعریف شده است که دارای پنج بعد احساس شایستگی، احساس داشتن حق انتخاب، احساس موثر بودن، احساس ارزشمندی و احساس امنیت می باشد. پرورش پنج بعد ذکر شده، نتایج و منافع بسیار زیادی دارد. تحقیقات نشان می دهد که اگر افراد احساس توانمندی کنند، هم مزایای شخصی و هم منافع سازمانی حاصل می شوند. پژوهش حاضر به هدف بررسی این رابطه و ارائه راهکار هایی جامع به انجام خواهد گرفت.

### ۳- اهمیت و ضرورت تحقیق

مهمترین و حیاتی ترین دارایی هر سازمان، نیروی انسانی آن سازمان است. کیفیت و توانمندی نیروی انسانی، مهمترین عامل بقاء و حیات سازمان است. نیروی انسانی توانمند، سازمان توانمند را به وجود می آورد. از نظر دراکر رشد اقتصادی مرهون توانمند کردن کارکنان فرهیخته است. سازمان توانمند محیطی است که کارکنان در گروه های مختلف، در انجام فعالیتها با یکدیگر همکاری می کنند. توانمندسازی کارکنان، محوری ترین تلاش مدیران در نوآفرینی، تمرکز دایی و حذف دیوان سالاری در سازمانها می باشد. توانمند کردن افراد موجب می شود تا مدیران و سازمان سریع تر و بدون اتلاف منابع به اهداف خود نائل شوند. توانمندسازی موجب می شود که کارکنان، سازمان و شغل را از آن خود بدانند و از کار کردن در آن به خود ببالند. بدون توانمندسازی، نه مدیران و نه سازمانها نمی توانند در درازمدت کامیاب باشند. مدیر سازمان، مهمترین عامل در تواناسازی کارکنان می باشد. زیرا مدیر بطور مستقیم و غیرمستقیم، تمام عوامل محیط سازمانی را تحت تاثیر قرار می دهد.

اقتصاد، مایه قوام جامعه است. به این معنا که استوانه اصلی تحقق جامعه و ثبات و حفظ آن، اقتصاد است.<sup>۲</sup> از این رو در آموزه های اسلامی، تصحیح روابط اقتصادی جامعه، همپای مسائل اعتقادی و عبادی مطرح شده و امور اقتصادی و معیشتی مردم، دارای جایگاهی مهم در حد مسائل اعتقادی و عبادی<sup>۳</sup> بشمار می رود. چرا که براساس آموزه های وحیانی قرآن، تامین سعادت واقعی انسان در سایه یکتاپرستی، سلامت امور اقتصادی و پرهیز از فسادانگیزی است<sup>۴</sup> و بر همین معیار و ملاک، برخورداری های اقتصادی از اموری است که بیانگر سلامت جامعه و عنایت خداوندی است و انسان ها می بایست شاکر نعمت های اقتصادی باشند. از این رو خداوند معیار بهره مندی دایمی و پایدار جامعه از اقتصاد سالم و شکوفا را پاکی مردمان و جامعه و تقوای پیشگی و عدالت ورزی می داند.<sup>۵</sup>

ایدئولوژی حاکم بر جمهوری اسلامی ایران با عنوان استکبار ستیزی تقابل با وضعیت موجود را طلب می کند. تا وقتی این موضع ماست کشور در تحریم قرار دارد، بنابراین ضرورت به انسجام درونی ایجاب می کند که در زمینه ی توانمند سازی منابع انسانی بیش از گذشته فعالیت شود.

### ۴- اهداف تحقیق

<sup>۲</sup> ه آیه . نساء

<sup>۳</sup> ۲ و آیات انفال، ۳۹؛ آیه نساء ۲۷۷؛ ۱۷۷ و ۸۳ و ۴۳ و ۴۱ و آیات . بقره،

<sup>۴</sup> ۸۶ تا ۸۴ آیات هود، ۸۵؛ آیه . اعراف،

<sup>۵</sup> ۹۶ آیه اعراف، ۹۵؛ آیه . سبأ،

## هدف اصلی

۱. بررسی رابطه بین توانمندسازی منابع انسانی با اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد.

## اهداف فرعی

۱. بررسی رابطه بین احساس شایستگی و اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد.
۲. بررسی رابطه بین احساس داشتن حق انتخاب و اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد.
۳. بررسی رابطه بین احساس موثر بودن و اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد.
۴. بررسی رابطه بین احساس ارزشمندی و اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد.
۵. بررسی رابطه بین احساس امنیت و اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد.

## ۵- فرضیه های تحقیق

### فرضیه اصلی

۱. بین توانمندسازی منابع انسانی و اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد رابطه معنی دار وجود دارد.

### فرضیه های فرعی

۱. بین احساس شایستگی و اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد رابطه معنادار وجود دارد.
۲. بین احساس داشتن حق انتخاب و اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد رابطه معنادار وجود دارد.
۳. بین احساس موثر بودن و اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد رابطه معنادار وجود دارد.
۴. بین احساس ارزشمندی و اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد رابطه معنادار وجود دارد.
۵. بین احساس امنیت و اقتصاد مقاومتی در ادارات دولتی شهرستان مشهد رابطه معنادار وجود دارد.

## ۶- تعریف مفهومی متغیر ها

### اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی یعنی تشخیص حوزه های فشار (در شرایط کنونی تحریم) و متعاقبا تلاش برای کنترل و بی اثر کردن و در شرایط آرمانی تبدیل چنین فشارهایی به فرصت، که قطعا باور و مشارکت همگانی و اعمال مدیریت های عقلایی و مدبرانه پیش شرط و الزام چنین موضوعی است. اقتصاد مقاومتی کاهش وابستگی ها و تاکید روی مزیت های تولید داخل و تلاش برای خودتکایی است. و صد البته منظور از اقتصاد مقاومتی واقعی، یک اقتصاد مقاومتی فعال و پویاست نه یک اقتصاد منفعل و بسته چنانکه مقاومت برای دفع موانع پیشرفت و کوشش در مسیر حرکت و پیشرفت تعریف می شود. در واقع هدف در اقتصاد مقاومتی آن است که بر فشارها و ضربه های اقتصادی از سوی نیروهای متخاصم که سد راه پیشرفت جامعه است، غلبه کرد.

### احساس شایستگی

احساس خود اثربخشی<sup>۶</sup> یا شایستگی<sup>۷</sup>؛ احساس شایستگی به این معنا است که کارکنان اعتقاد دارند مهارت و توانایی لازم را برای انجام کارهای خود دارند. احساس شایستگی، به اعتقاد فرد به توانایی‌هایش جهت انجام با مهارت فعالیت‌هایش است. این افراد احساس می‌کنند که می‌توانند وظایفشان را با مهارت بالا انجام دهند. وقتی افراد توانمند می‌شوند، احساس خود اثربخشی می‌کنند؛ یا اینکه احساس می‌کنند قابلیت و تبحر لازم برای انجام موفقیت‌آمیز یک کار را دارند. افراد توانمند شده نه تنها احساس شایستگی، بلکه احساس اطمینان می‌کنند که می‌توانند کار را با کفایت انجام دهند. آنان احساس برتری شخصی<sup>۸</sup> کرده و معتقدند که می‌توانند برای رویارویی با چالش‌های تازه بیاموزند و رشد یابند (وتن و کمرون، ۲۰۱۰).

### احساس داشتن حق انتخاب

احساس خودسامانی<sup>۹</sup> هنگامی که افراد به جای اینکه با اجبار در کاری درگیر شوند یا دست از آن کار بکشند، خود داوطلبانه در وظایف خویش درگیر شوند، احساس خودسامانی می‌کنند. آنان خود را افرادی خودآغازگر می‌بینند که قادرند به میل خود، اقدامات ابتکاری انجام دهند، تصمیمات مستقل بگیرند و افکار جدید را به آزمون بگذارند. افراد توانمند در مورد کارهایشان احساس مالکیت می‌کنند؛ زیرا آنان می‌توانند تعیین کنند که کارها چگونه باید انجام شوند و با چه سرعتی پایان یابند. داشتن حق انتخاب، جزء اصلی خودسامانی به‌شمار می‌رود (وتن و کمرون، ۲۰۱۰).

### پذیرفتن شخصی نتیجه<sup>۱۰</sup>

افراد توانمند احساس کنترل شخصی بر نتایج دارند. آنان بر این باورند که می‌توانند با تحت تأثیر قرار دادن محیطی که در آن کار می‌کنند، یا نتایجی که تولید می‌شود، تغییر ایجاد کنند. پذیرفتن شخصی نتیجه، عبارت است از "اعتقادات فرد در یک مقطع مشخص از زمان در مورد توانایی‌اش برای ایجاد تغییر در جهت مطلوب". داشتن احساس پذیرفتن شخصی نتیجه، کاملاً به احساس خودکنترلی مربوط است برای اینکه افراد احساس توانمندسازی کنند، آنان نه تنها باید احساس کنند که آنچه انجام می‌دهند اثری به‌دنبال دارد، بلکه باید احساس کنند که می‌توانند آن اثر را به‌وجود آورند؛ یعنی برای اینکه آن نتیجه با احساس توانمندسازی همراه باشد، آنان باید احساس کنند که کنترل نتیجه تولید یا خدمت ارائه‌شده را در دست دارند (وتن و کمرون، ۲۰۱۰).

### احساس ارزشمندی<sup>۱۱</sup>

کارمندان برای مقصود و یا اهداف فعالیتی که به آن اشتغال دارند، ارزش قائل می‌شوند و استانداردهای ذهنی‌شان را با آنچه که در شغل خود در حال انجام دادن هستند، متجانس می‌کنند. به عبارت دیگر، احساس معنی‌دار، بودن یک نگرش ارزشی است که از متجانس بودن آرمان‌ها و ارزش‌های افراد و آنچه که در حال انجام دادن هستند، حاصل می‌شود. افراد توانمند، احساس

<sup>6</sup> Self-Efficacy

<sup>7</sup> Senes of Competence

<sup>8</sup> Personal Mastery

<sup>9</sup> Self Determination

<sup>10</sup> Personal Consequence

<sup>11</sup> Meaning

معنی‌دار بودن می‌کنند. معنی‌دار بودن به معنی ارتباط اهداف و وظایف کاری با ایده‌ها و استانداردهای فرد است (وتن و کمرون، ۲۰۱۰).

### احساس امنیت

افراد توانمند دارای حسی به نام اعتماد هستند و مطمئن هستند که با آنان منصفانه<sup>۱۲</sup> و یکسان رفتار خواهد شد، این افراد، این اطمینان را حفظ می‌کنند که حتی در مقام زبردست نیز نتیجه نهایی کارهایشان منصفانه خواهد بود. به بیان دیگر، اعتماد به معنی داشتن احساس امنیت شخصی است. اعتماد همچنین به طور ضمنی دلالت بر این دارد که افراد خود را در یک موقعیت آسیب‌پذیری قرار می‌دهند، با این همه، افراد توانمند ایمان دارند که در نهایت هیچ آسیبی در نتیجه آن اعتماد متوجه آنان نخواهد شد (وتن و کمرون، ۲۰۱۰).

## ۷- اقتصاد مقاومتی در ادبیات اقتصادی

### تاب آوری سازمانی در شرایط اقتصادی

بریگالیو<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۶) از اصطلاحی به نام تاب آوری سازمانی<sup>۱۴</sup> برای اشاره به توان سیاست ساخته یک اقتصاد برای بهبود (یا انطباق با) آثار شوک های برون زای مخالف استفاده کرده است. این اصطلاح با تعریفی که از آن شده، نزد یکترین مفهوم به (اقتصاد مقاومتی) در ادبیات رایج کشور جمهوری اسلامی ایران است.

بریگالیو بیان می‌دارد که اصطلاح تاب آوری به دو مفهوم به کار می‌رود: اول، توانایی اقتصاد برای بهبود سریع از شوک های اقتصادی تخریب کننده خارجی؛ دوم، توانایی اقتصاد برای ایستادگی در برابر آثار این شوک ها.

توان اقتصاد برای بهبود یافتن از آثار شوک های مخالف به شدت محدود خواهد شد اگر برای مثال، کسری‌های مالی مزمن وجود داشته باشد. از طرف دیگر، این توان ارتقا خواهد یافت اگر ابزارهای سیاستی بتواند برای خنثی سازی آثار منفی شوک ها مورد استفاده قرار گیرد؛ مانند موقعیتی که کشور از وضعیت مالی قوی برخوردار است و می‌تواند مخارج احتیاطی یا تخفیف های مالیاتی را برای برخورد با آثار منفی شوک ها مورد استفاده قرار دهد. این نوع تاب آوری سازمانی نوعی (تقابل با شوک) است.

توانایی ایستادن در برابر شوک ها هنگامی متصور است که شوک ها خنثی یا نا چیز باشند. همچنین این نوع تاب آوری هنگامی ممکن است که اقتصاد از مکانیسم هایی برخوردار باشد که آثار شوک ها را کاهش دهد که با عنوان (جذب شوک) از آن نام برده می‌شود. برای مثال، وجود بازاری انعطاف پذیر میتواند به عنوان ابزاری برای جذب شوکها عمل کند (بریگالیو، ۲۰۱۱: ۵).

به طور کلی، تاب آوری سازمانی ممکن است ایستا یا پویا باشد. تاب آوری ایستا به مفهوم توان یا ظرفیت یک سیستم برای جذب یا منعطف شدن در برابر خطر یا زیان است در تعریف عمومی تر آن، که ملاحظات پویا بودن شامل ثبات را نیز در خود دارد، تاب آوری به توان یک سیستم برای بهبود از شوکی پایدار گفته می‌شود. همچنین باید میان دو نوع تاب آوری تفاوت قائل شد (رز، ۲۰۰۴: ۸)

<sup>12</sup> Fairly

<sup>13</sup> Briguglio

<sup>14</sup> Economic Resilience

تاب آوری سازمانی ذاتی<sup>۱۵</sup>: توانایی در شرایط عادی، یعنی توان جایگزینی نهاده های دیگر برای نهاده هایی که از طریق شوک خارجی با مشکل مواجه شده اند یا توان بازارها برای باز تخصیص منابع در پاسخ به علامت های قیمتی. این نوع تاب آوری سازمانی ذاتی یک اقتصاد است و سیاست ساخته نیست.

تاب آوری سازمانی انطباقی<sup>۱۶</sup>: توانایی در شرایط بحران ناشی از قوه ابتکار و تلاش فوق عادی، یعنی بالا بردن توان جایگزینی نهاده ها در عملیات بازرگانی منفرد یا تقویت بازارها از طریق کامل کردن اطلاعات عوامل اقتصادی عرضه کننده و تقاضا کننده برای پیدا کردن یکدیگر؛ این نوع تاب آوری سازمانی به خودی خود وجود ندارد، بلکه کاملاً سیاست ساخته است.

### راهبردهای تاب آوری سازمانی

دو راهبرد تاب آوری سازمانی شامل مدیریت بهبود<sup>۱۷</sup> و اقدامات تسکینی<sup>۱۸</sup> است. هر دو راهبرد ممکن است تاب آوری سازمانی ذاتی را ارتقا دهند. تاکنون هیچ یک از آن دو بر دیگری ترجیح داده نشده است. اقدامات تسکینی نوعاً برای کاهش احتمال شکست و نیز کاهش آسیب پذیری از طریق ارتقای مقاومت اقتصادی عمل میکنند. مدیریت بهبود معمولاً در جهت فراهم سازی کمک های جانبی به بنگاه ها و خانوارهایی که از شرایط پیش آمده متأثر شده اند و نیز کاهش زمان بهبود عمل میکند. بخش اول مدیریت بهبود (یعنی اقدامات کمکی جانبی) با تاب آوری سازمانی سازگاری ندارد، زیرا تاب آوری سازمانی بر خود اتکایی گروه های اجتماعی در مفهوم گسترده تری از توانایی پایداری تأکید دارد. با وجود این، رهیافت کاهش زمان بهبود نقشی کلیدی در توسعه مفهوم تاب آوری سازمانی برای در بر گرفتن عناصر پویاتر دارد (رز، ۲۰۰۴: ۳۰۹).

### توسعه اجتماعی

توسعه اجتماعی مؤلفه مهم دیگر تاب آوری سازمانی است. این عامل به وضعیتی اشاره دارد که در آن یک جامعه به طور کامل توسعه یافته باشد، به طوری که دستگاه های اقتصادی قادر باشند بدون تأخیر ناشی از نا آرامی های مدنی، عملکرد مؤثری از خود نشان دهند. توسعه اجتماعی را همچنین می توان به انسجام اجتماعی مرتبط کرد.

محاوره های اقتصادی در چنین شرایطی می توانند رخ دهند که خود رهیافت های جمعی را قادر می سازند از سنجه های درستی در مواجهه با شوک های مخالف استفاده کنند. بریگاگلیو برای توسعه اجتماعی از شاخص های آموزش و بهداشت مندرج در شاخص توسعه انسانی استفاده کرده است (بریگاگلیو، ۲۰۰۸: ۸).

---

<sup>15</sup> Inherent

<sup>16</sup> Adaptive

<sup>17</sup> Recovery Management

<sup>18</sup> Mitigation

در شکل ۴ شرایط لازم برای تاب آوری سازمانی آمده است.



شکل ۴ محورهای اقتصاد امنیت ملی

### الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران

ایده اقتصاد مقاومتی ابتدا از جانب رهبر معظم انقلاب مطرح شد. برای داشتن در یک روشن از این اصطلاح متناسب با شرایط اقتصاد ملی جمهوری اسلامی ایران ناگزیر از مرور ادبیات مربوط براساس فرمایشات و بیانات ایشان هستیم. از نظر رهبر، دشمن در موضوع تهدید اقتصادی به دنبال جدا کردن مردم از نظام اسلامی است (بیانات، ۱۳۹۱/۵/۳):

- (۱) • تمرکز دشمن بر اقتصاد : فشار اقتصادی بر کشور
- (۲) • لطمه زدن به رشد اقتصادی  
• لطمه زدن به اشتغال
- (۳) • ایجاد اختلال و خطر برای رفاه ملی  
• ایجاد مشکل برای مردم
- (۴) • جدا شدن مردم از نظام اسلامی



## شکل ۵- فرایند اثر گذاری تهدید دشمن

با دقت در بیانات مقام معظم رهبری، مؤلفه ها و محورهای زیر برای اقتصاد مقاومتی قابل استخراج است :

### مفهوم اقتصاد مقاومتی

- حتی در شرایط فشار روند رو به رشد اقتصادی (و شکوفایی) در کشور محفوظ بماند.
- آسیب پذیری آن کاهش پیدا کند.
- در مقابل ترندهای دشمنان کمتر آسیب ببیند و اختلال پیدا کند .

### کار ویژه های اقتصاد مقاومتی

شکل گیری اقتصاد مقاومتی نتایج مهمی خواهد داشت که در بیانات مقام معظم رهبری به آنها تصریح شده است (۹۱/۵/۸ و ۹۱/۷/۱۸) :

- ایجاد مقاومت اقتصادی در برابر فشار اقتصادی دشمن؛
- تضمین رشد اقتصادی در شرایط جنگ اقتصادی دشمن؛
- جلوگیری از بیکاری عوامل تولید و ایجاد شرایط اشتغال کامل؛
- ممانعت از ایجاد اختلال در رفاه عمومی؛
- حل مشکلات مردم؛
- دلگرمی مردم به نظام اسلامی.

### شرایط و الزامات اقتصاد مقاومتی

اقتصاد مقاومتی از نظر مقام معظم رهبری، شرایط و الزاماتی دارد ( بیانات ۱۳۹۱/۵/۳ و ۹۱/۵/۸) :

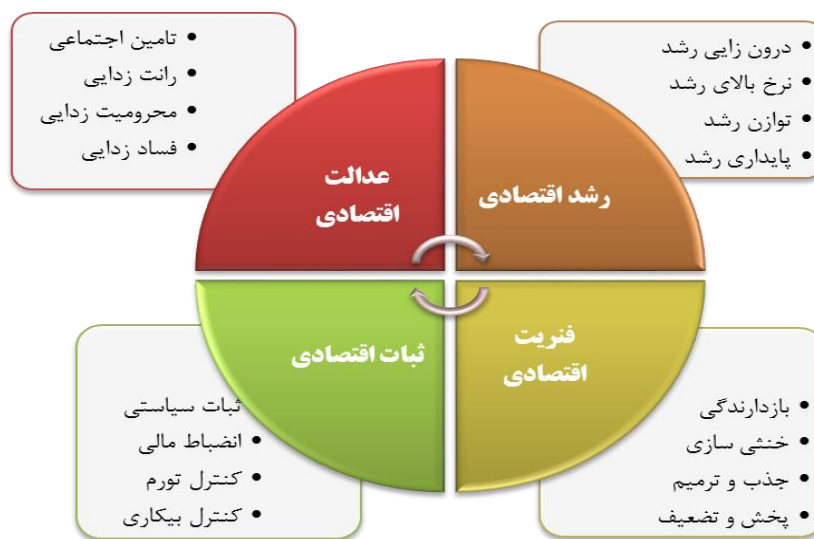
- استفاده از همه ظرفیت های دولتی و مردمی ؛
- مردمی کردن اقتصاد ؛
- تحول در شرایط اقتصاد از طریق اجرای سیاست های اصل ۴۴ ؛
- توانمند سازی بخش خصوصی ؛
- کاهش وابستگی به نفت ؛

- جایگزینی درآمدهای نفتی با درآمدهای غیرنفتی ؛
- بنیان گذاری کارهای اقتصادی بر پایه دانش و تبدیل شدن اقتصاد دانش بنیان به وجه غالب اقتصاد کشور ؛
- حمایت از تولید ملی ؛
- فعال کردن واحدهای تولیدی کوچک و متوسط ؛
- تعادل در مصرف و مدیریت مصرف با جایگزینی و ترجیح تولیدات داخلی با کالاهای خارجی ؛
- مبارزه با مفاسد اقتصادی ؛
- مدیریت درست منابع ارزی ؛
- مدیریت مصرف و فرهنگ سازی برای جلوگیری از اسراف ؛
- استفاده حداکثری از زمان و منابع و امکانات ؛
- حرکت بر اساس برنامه و پرهیز از تصمیم های خلق الساعه و تغییر مقررات ؛
- صیانت از وحدت و همبستگی .

#### **ظرفیت های موجود کشور برای اقتصاد مقاومتی**

رهبر معظم انقلاب ظرفیت های زیر را برای اقتصاد مقاومتی معرفی می فرمایند (بیانات در ۹۱/۳/۲۴ و ۹۱/۴/۷) :

- وجود امکانات و ثروت داخلی ؛
  - مردم خوب ؛
  - منابع مالی موجود ؛
  - منابع انسانی موجود و ملت جوان ؛
  - عدم بدهکاری جهانی ؛
  - محوریت تفکر دینی و جه نگیری دینی و اسلامی در حرکت کشور ؛
  - وجود مسئولان معتقد به مبانی اسلام و انقلاب ؛
  - امید به توفیق الهی برای دستیابی به پیشرفت محسوس و عدالت چشم گیر در دهه چهارم .
- بر اساس مؤلفه هایی که از بیانات مقام معظم رهبری استخراج شد، می توان الگوی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران را به صورت زیر پیشنهاد کرد :



شکل ۶- الگوی پیشنهادی اقتصاد مقاومتی جمهوری اسلامی ایران

این الگو بیانگر نگرشی ویژه به اقتصاد مقاومتی است که آن را از سایر نگرش‌ها متمایز میکند. آنچه از اقتصاد مقاومتی به ذهن متبادر می‌شود الگویی برای شرایط غیرعادی مانند شرایط جنگ و بحران یا تحریم اقتصادی است. اما چنین الگویی، پس از برطرف شدن شرایط خاص، موضوعیت خود را از دست خواهد داد؛ لذا الگویی موقتی و اقتضایی است، در حالی که الگوی حاضر هم شرایط بحران و هم شرایط عادی را دربرمی‌گیرد. در شرایط عادی، الگوی حاضر با برجسته کردن مؤلفه‌های رشد و عدالت و با توجه به برقراری شرایط ثبات اقتصادی در ایجاد شکوفایی و ایجاد رفاه همراه عدالت اهداف اساسی خود را دنبال می‌کند. در شرایط بحران نیز با برجسته سازی مؤلفه فنریت اقتصادی امکان تعقیب اهداف اساسی را فراهم خواهد کرد.

### الگوی اقتصاد مقاومتی در کشورهای مختلف

طرح الگو و ابلاغ سیاستهای اقتصاد مقاومتی از سوی مقام معظم رهبری در پاسخ به شکنندگی و آسیب پذیری روند متعارف اقتصادی ایران بود. شاید مفهوم «اقتصاد مقاومتی» در ادبیات اقتصادی، جدید به نظر آید، اما برخی از ویژگیهای چنین اقتصادی را میتوان در تجربه ی کشورهای مختلف دید. مقام معظم رهبری در تبیین اقتصاد مقاومتی درباره گرایش‌هایی که در حرکت کشورهای مختلف به سمت چنین اقتصادی وجود دارد، میفرمایند: «گرایش به اقتصاد مقاومتی مخصوص ما هم نیست؛ امروز در بسیاری از کشورها -خصوصاً در این سالهای اخیر- با تکانه های شدید اقتصادی که در دنیا به وجود آمد، کشورهای متعددی به دنبال مقوماسازی اقتصاد خودشان برآمدند؛ البته آنچه هر کشوری شرایط خاص خودش را دارد». در تعریف اقتصاد مقاومتی نمایانتر است تکیه به ظرفیتهای درونی یک کشور است؛ به این ترتیب است که یک اقتصاد به سمت خودکفایی و استقلال اقتصادی حرکت خواهد کرد و تأثیرپذیری چنین اقتصادی از تکانه های اقتصاد جهانی به حداقل خواهد رسید. مقام معظم رهبری در اهمیت تولید داخلی در اقتصاد مقاومتی یادآور میشوند: «پایه اقتصاد مقاومتی عبارت است از تقویت تولید داخلی و کاهش وارداتی که یا غیرضروری است یا مشابه داخلی دارد». علت چنین تأکیدی ایجاد استقلال اقتصادی و خنثی کردن حربه های دشمنان در جنگ اقتصادی است. نکته ای که در بررسی تجارب مقاومت اقتصادی در کشورهای مختلف باید مدنظر باشد، این است که رویکرد اتخاذ شده از سوی این کشورها، نه تنها تمام آنچه اقتصاد مقاومتی نامیده میشود نیست، بلکه در نحوه اجرا یا نتایجی که از اجرای اشتباه آن حاصل شده است، فاصله بسیاری از مفهوم اقتصاد مقاومتی دارد؛ لذا هدف در چنین مباحثی، ذکر برخی

مصادیق محقق شده یا حرکت به سمت مقاومسازی در کشورهای مختلف است و الا در امکان و چگونگی اجرای این سیاستها، نقد و بررسی لازم است. به این ترتیب و با توجه قطعا به ویژگی تقویت تولید داخلی و کاهش واردات غیرضروری در اقتصاد مقاومتی، چنین حرکتی را در راستای تقویت اقتصاد یک کشور در تجاری که از کشورهای مختلف وجود دارد مشاهده میکنیم.

## الگوی اقتصاد مقاومتی کشور برزیل

### راهبرد جایگزینی واردات در برزیل

جدای از آنکه آیا مفهوم توسعه را قبول اصلا داشته باشیم یا خیر، هر کشوری بهمنظور ایجاد وضعیت مطلوب اقتصادی، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی، باید تغییرات کمی و کیفی موردنظر را حاصل کند؛ در ادبیات متعارف اقتصادی چنین تغییراتی را در حوزه اقتصاد، توسعه اقتصادی مینامند. اقتصاددانان به منظور ایجاد چنین وضعیتی که منجر به تقویت و رشد اقتصاد یک کشور شود، نظرات متفاوتی دارند؛ برخی قائل به یک مسیر برای توسعه اقتصادی هستند و برخی دیگر وجود راهبردهای متفاوت را مطرح میکنند؛ لذا در زمینه توسعه اقتصادی، رویکردهای متفاوتی مطرح و اتخاذ شده است؛ استراتژی هایی که از به حداقل رساندن نقش دولت شروع میشود و تا نقش عمده دولت ادامه پیدا میکند. استراتژی اقتصاد باز، صنعتی شدن، تأمین نیازهای اساسی و توزیع مجدد، توسعه کشاورزی، استراتژی توسعه سوسیالیستی و... از جمله استراتژیهایی هستند که در زمینه توسعه اقتصادی به کار گرفته شده اند و حرکت به سمت توسعه اقتصادی، الزاما همیشه با یک برنامه ریزی از سوی دولت ها صورت نمیپذیرد؛ بلکه شرایط موجود، دولت ها و سیاستهای دولتی را به سمت اتخاذ رویکرد مطلوب هدایت میکنند. از طرف دیگر همه از کشورها در اتخاذ استراتژی موردنظر خود الزاما یک روند ثابت هم استفاده نکرده و نمیکند؛ لذا اجرای استراتژیهای مختلف توسعه با یک سری تعدیلهایی همراه خواهد بود و به همین دلیل شاید نتوان نام یک استراتژی را برای رویکرد اتخاذ شده از سوی دولت ها نهاد؛ چون ممکن است ترکیبی از چند استراتژی مختلف، در مسیر توسعه اقتصادی هر کشور شکل بگیرد. در این میان، در کشور برزیل، استراتژی صنعتی کردن از طریق جایگزینی واردات اتخاذ شد. استراتژی جایگزینی واردات در زمره راهبردهای توسعه درون نگر قرار میگیرد. استراتژیهای توسعه درون نگر به طور خلاصه به استراتژی هایی اطلاق میشوند که جهت گیری تولید و ساختار آن در پاسخ به نیازهای داخلی و بازار داخلی تنظیم میشود. در این استراتژی تولید داخلی، سلیقه های مصرفی داخلی، کاهش درآمد داخلی، سطح تقاضای داخلی، صنایع داخلی کشور و... در کانون توجه قرار دارند و هدف آن است که به گونه ای جهت دهی شوند که استقلال اقتصادی، کاهش وابستگی و دفع تهدیدات خارجی حاصل شود. به همین ناظر به بهره برداری از امکانات و منابع دلیل عمده تا داخلی کشور برای رسیدن به درجاتی از خودکفایی یا خوداتکایی است و در راستای این استراتژی، صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات دنبال میشود و تولید کالاهای پایه ای همچون فولاد، گندم، سیمان و... تا تحقق استقلال کامل اقتصاد دنبال میگردد.

همانطور که گفته شد خیلی از استراتژی ها از قبل برنامه ریزی شده نیست؛ استراتژی الزاما جایگزینی واردات از سوی برزیل هم آگاهانه صورت نپذیرفت. اتخاذ چنین استراتژی ای نتیجه واکنش بررسی نسبت به ضربه ها و نوساناتی بود که این کشور با آن روبه رو بود. «این استراتژی، واکنش کم و بیش خودبه خودی نسبت به یک رشته از ضربه های خارجی بود که با از بین رفتن بازار لاستیک برزیل در اواخر قرن نوزدهم آغاز شد و به دنبال آن حوادثی پی در پی مانند قطع تجارت بین المللی در جنگ جهانی اول، سقوط رابطه مبادله کشور طی بحران دهه ۱۹۳۰ و قطع مجدد بازرگانی بین المللی طی جنگ جهانی دوم واقع شدند. هر یک از این ضربه ها، موجی از

صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات را برانگیخت که به افزایش گام به گام سهم صنعت در تولید ناخالص ملی انجامید. با افت رابطه مبادله برزیل در بین سالهای 1929 و ۱۹۳۰ به دلیل بحرانهایی که این کشور با آن روبه رو شد، حجم واردات هم کاهش یافت؛ لذا بعید نبود که برزیل و کشورهای دیگر از این قبیل مزایای اقتصاد باز را زیر سؤال ببرند. به این ترتیب یک نوع جدایی از نظم حاکم بین المللی آزاد صورت پذیرفت. برزیل علاوه بر محدود کردن واردات، پس از مدتی سهمگیری صادرات را هم مدنظر قرار داد. به همین دلیل در دورههای پس از ۱۹۵۰ شاهد افزایش نرخ رابطه مبادله این کشور هستیم. رابطه مبادله کشور برزیل در طول سالهای ۱۹۳۱-۱۹۵۱ به نسبت سی سال گذشته کاهش یافته و از ۶/۱۶۰ به ۲/۱۱۸ رسیده است. این نشان دهنده کاهش حجم تجاری این کشور در طول دوره جایگزینی واردات است. افزایش رابطه مبادله پس از مدتی نشان دهنده بهبود وضعیت تجاری برزیل و خروج از بحرانهای گذشته دارد. برزیل با کاهش ارزش پول ملی، نظارتهای ارزی و حمایتهای تعرفه ای را افزایش داد. این کشور با به تعلیق درآوردن بدهیهای خود به مدت چند سال، منجر به کاهش ارزش اسمی این بدهی ها شد. در این بین سقوط تولید ناخالص داخلی در سالهای گذشته جبران و روند روبه رشد آغاز شد. کاهش قیمت جهانی قهوه با حمایتهای داخلی جبران شد و همین امر موجبات حفظ ثروت مالکان کشتزارها را فراهم آورد؛ لذا با بهبودی قیمت قهوه این مالکان، سرمایه خود را در صنایع ساخت به کار گرفتند. به این ترتیب تولیدات صنعتی در دهه ۴۰ افزایش یافت. فضای پس از جنگ جهانی دوم روند صنعتی شدن را تقویت کرد و دولت برزیل دوباره حمایتهای تعرفه ای و اجرای سیاست چند نرخی ارز را پیش گرفت که به ویژه به نفع تولیدات مصرفی داخلی بود. در این میان و در سال ۱۹۵۰ سهم کالاهای صنعتی در تولید ناخالص داخلی برزیل به حدود ۲۶ درصد افزایش یافت. پس از این دوره، یعنی از ۱۹۵۶ تا ۱۹۶۱ یک موج جدیدی از صنعتی شدن آغاز شد که با سرمایه گذاری داخلی و خارجی بر کالاهای سرمایه ای و واسطه ای برزیل صورت گرفت. پیش از این، تولید کالاهای مصرفی توسط بخش خصوصی از سوی دولت مورد حمایت قرار میگرفت، اما توجه چندانی در مورد کالاهای سرمایه ای نبود. افزایش تولیدات صنعتی تا حدود ۳۵ درصد نشان دهنده چنین رشدی در بخش صنعت است. موج سوم صنعتی شدن برزیل هم که از ۱۹۶۹ آغاز و در ۱۹۷۶ پایان یافت، منجر به یک رشد خارق العاده و سریع شد که به «معجزه برزیلی» شهرت یافت؛ لذا شاهد هستیم که میزان تولید ناخالص داخلی تا حدود ۸ درصد و سهم کالاهای صنعتی در این دوره تا حدود ۴۱ درصد افزایش می یابد. یکی از عوامل پایبندی یک سیاست را باید در ایجاد تعادل و رشد همه جانبه دانست. اگرچه منشأ استراتژی صنعتی شدن جایگزین کردن کالاهای مصرفی بود، اما برزیل با ایجاد یک توازن در تولید کالاهای سرمایه ای و واسطه ای، بخش صنعت خود را رشد کاریکاتوری نداد. «بنابراین، برزیل بخش صنعتی متوازی ایجاد کرده که از یکپارچگی مطلوبی برخوردار است. اساسا برزیل توانسته است از نظر رشد، خوداتکا باشد. این کشور، انتقال از تخصص در تولید کالاهای مصرفی به ترکیب متنوع در تولید صنعتی را کامل کرده است» ( ماهنامه ی تحلیلی ترویجی و گفتمانی پدافند اقتصادی)

### تجربه پدافند اقتصادی در ونزوئلا

ونزوئلا کشوری است در سواحل شمالی دریای کارائیب و در همسایگی برزیل و کلمبیا قرار دارد. این کشور نیز مانند سایر کشورهای آمریکای جنوبی تحت استعمار قرار داشت تا اینکه در پنجم جولای ۱۸۲۹ بهعنوان کشور مستقل اعلام وجود کرد. پیشتر در این کشور شهرهای ساحلی بیشترین جمعیت را داشتند اما امروزه جمعیت روستاها کاهش یافته است و شهرهای مدرن مانند کاراکاس پایتخت این کشور بیشترین حجم جمعیت ۳۰ میلیونی ونزوئال را در خود جای داده است. بعدازآنکه هوگو چاوز رهبر فقید ونزوئال حکومت را به دست گرفت برای این کشور فصل جدیدی هم در سیاست و هم در اقتصاد این کشور باز شد. چاوز رهبر ونزوئال، مخالف با سیاستهای امپریالیستی دولتهای

سلطه از دولت‌های منطقه آمریکای جنوبی حمایت میکرد و سعی بر این داشت که سیاست‌های سرمایه داری را در این منطقه ریشه کن کند. دوران حکومت چاوز با فراز نشیب‌های فراوانی روبه رو بود؛ اما رئیس جمهور محبوب ونزوئلا دچار عارضه سرطان شد و در آخرین سفر خود به برزیل برای درمان اعلام کرد که اگر درمان موفقیت آمیز نبود مردم در انتخابات به معاون اول و وزیر امور خارجه او رأی بدهند. بعد از درگذشت چاوز نیکالس مادورو دوست صمیمی او که به عنوان وزیر امور خارجه او فعالیت می کرد با رأی مردم در یک انتخابات پرشور به عنوان رئیس جمهور این کشور انتخاب شد. شاید مادورو جوان که به عنوان راننده اتوبوس در ونزوئلا فعالیت میکرد اینچنین روزی را نمیدید که در پنجاه سالگی به ریاست جمهوری ونزوئلا برسد. آمریکا میدانست که با انتخاب مادورو سیاست‌های انقلابی و ضدآمریکایی چاوز ادامه پیدا خواهد کرد. سراسیمه برای آنکه بتواند ونزوئلا را تحت فشار بگذارد سیاست تحریم را در پیش گرفت؛ اما مردم ونزوئلا نشان دادند که از انقلاب بولواری خود دست نکشیدند و مادورو نیز در جمع مردم در تاریخ ۲۸ دسامبر ۲۰۱۴ اعلام کرد که آمریکا هیچوقت نمیتواند در مقابل این مردم مقاومت کنند و مردم ونزوئلا سیاست‌های سلطه گرانه آمریکا را قبول ندارند؛ اما این اولین باری نبود که آمریکا را ونزوئلا را تحریم میکرد و این تحریم ها از سال ۲۰۱۱ به طورجدی آغاز شده بود؛ اما عملاً از سال ۲۰۰۵ به طورجدی دیگر رابطه ای میان آمریکا و ونزوئلا وجود نداشت. منابع درآمدهای اقتصادی ونزوئلا به صورت عمده از صادرات نفت خام است ولی این کشور صادرات محصولات کشاورزی و قهوه و کائو را هم انجام میدهد. تحریم ها و کاهش قیمت نفت باعث شد که اقتصاد رو به رشد ونزوئلا در این دوره کوتاه دچار عدم تعادل بشود و تا حدی از مسیر رو به رشد خود خارج شود. در طی شوک جدید نفتی میزان صادرات نفت ونزوئلا به میزان ۴۰ درصد افزایش پیدا کرد و تورم نیز در این کشور به اندازه ۴۰ درصد افزایش پیدا کرد. با شدت گرفتن تحریم ها ونزوئلا با دولت‌های ایران، روسیه، کره، سوریه و چین روابط تجاری روابط خود را برقرار کرد و از راه فروش محموله های نفتی به این کشورها سعی بر این داشت که بتواند با تحریم ها مقابله کند. در سال ۲۰۱۳ آمریکا فشار تحریم ها را بر ونزوئلا بیشتر کرد و مبادلات سلاح را نیز بر ونزوئلا ممنوع کرد. در سال ۲۰۰۸ نیز ایالت متحده دارایی های بانک بین المللی دسالورر ضبط کرد و ونزوئلا از هرگونه مبادله با شرکتهای آمریکایی تحریم کرد. بر این اساس ونزوئلا اقدام به تأسیس بانک FBVI نمود که تمام مبادلات میان ایران و ونزوئلا از طریق این بانک به انجام میرسد و نیز روابط تجاری خود را با این کشور گسترش داد و بانکهای ایران میتوانستند از طریق مؤسسات مالی ونزوئلا فعالیتهای خود را تسهیل نمایند. کشور ونزوئلادر شرایط تحریم از نظر تأمین مسکن و کیفیت آن در شرایط مناسبی قرار نداشت، اما در آن دوران درهای کشور خود را بر روی شرکتهای جمهوری اسلامی ایران باز کرد و این شرکتهای در بیشتر شهرهای ونزوئلا از جمله کارا کاس پایتخت اقدام به ساخت و ساز کردند و در این زمینه ونزوئلا توانست با همکاری ایران سطح رفاه مردم ونزوئلا را بالاتر ببرد. در طول این سالها ونزوئلا در شرایط تحریم در حرکتی که آن را انقلاب بولواری مینامیدند توانست با برنامه ها صحیح اقتصادی سطح آموزش، مسکن، تغذیه، فرهنگ و ورزش را در ونزوئلا بهبود بخشد و بر طبق آمار میزان فقر را از ۴۷ درصد به ۲۲/۷ برساند. در طول این دوران ونزوئلا تلاش میکنند با ملی کردن صنایع به دست شرکت های خارجی که بعد از افزایش تحریمها این شرکتهای این صنایع را تعطیل کرده بودند، از فشار تحریم ها بکاهد. روابط ونزوئلا با ایران و روسیه و چین در طول این مدت عمیق تر شد و ونزوئلا توانست با جذب سرمایه گذاری طرف چینی در زیرساخت های انرژی این زیرساخت ها را توسعه دهد و از طریق مبادلات سلاح و هواپیماهای جنگی با روسیه نیز توانست ارتش خود را قدرتمندتر سازد. با روی کار آمدن مادورو نیز سیاست‌های خارجی ونزوئلا تغییر نکرد و این کشور روابط خود را با چین و روسیه و ایران ادامه داد به طوری که در ماه جولای سال ۲۰۱۴ چین اعتبار سرمایه گذاری خود را به مقدار ۴ میلیارد دلار دیگر افزایش داد و آن دسته از تحلیلگرانی که می پنداشتند که با فوت چاوز روابط تهران کارا کاس دچار تغییر می شود مشاهده کردند که این روابط به قوت خود باقی است. ونزوئلا در راستای مقابله با تحریم های آمریکا و کاهش نفوذ این کشور در منطقه

آمریکای لاتین و افزایش تأثیرگذاری خود در این منطقه، به طور گسترده از این کشورها حمایت‌های مالی میکنند و در بعضی از این کشورها که به حمایت‌های ونزوئلا به میزان زیادی وابسته هستند این حمایت‌ها به اندازه ۵/۱ درصد از GDP کل آن کشور است که این سهم در آن کشورها تا ۶الی ۷ درصد نیز افزایش داشته است. برای مثال میتوان گفت حجم بدهکاریها در کشورهایی مانند هائیتی و نیکارا گون به ترتیب ۶ و ۷ درصد از تولید ناخالص ملی سالیانه شان می باشد که اگر بخواهد تغییراتی در این حجم از سرمایه گذاری ونزوئلا در این کشورها به وجود بیاید یک شوک بزرگ در تمام این کشورها به وجود خواهد آمد زیرا این کشورها باید بتوانند یک سرمایه گذار بزرگ برای این حجم وسیع از سرمایه گذاری برای کشور خود پیدا کنند. از زمان مرگ هوگو چاوز و انتخابات ریاست جمهوری ونزوئلا این کشور صحنه در تشنج و درگیریهای سیاسی شده و این درگیری ها نیز بر روی اقتصاد رو به رشد ونزوئلا نیز تأثیر گذاشته اند. حجم این دخالت ها به حدی بود که دولت ونزوئلا را مجبور به این کرد که دیپلمات های آمریکایی را از کشور خود اخراج کند. رسانه های خارجی نیز این فرصت را غنیمت شمرده و با چشم پوشی از کارشکنی ها و دخالت های مخفیانه آمریکا در ونزوئلا، سرچشمه این مشکلات را از نا کارآمدی سیاست های ضدآمریکایی ونزوئلا دانسته اند، اما تحلیل های کارشناسی دقیق اقتصادی چیزی دیگر میگویند. اگرچه بعضی از منتقدین به سیاست های اقتصادی ونزوئلا این کشور را به قیمت نفت بسیار وابسته میدانند و بیان میکنند که با پایین آمدن قیمت نفت اقتصاد ونزوئلا دچار آسیب خواهد شد؛ اما بررسی کارشناسان نشان میدهد که اگر هم این اتفاق رخ دهد به خاطر حجم پایین بدهی های این کشور که مقدار سالیانه آنها به بانک مرکزی و بدهی های خارجی این کشور در مجموع به اندازه ۲۴ درصد از GDP این کشور است که به این کشور اجازه میدهد که بتواند در حجم گسترده ای از وام های خارجی استفاده کند و بتواند اقتصاد خود را به حالت تعادل بازگرداند. یکی دیگر از مشکلاتی که امروزه بر اثر تحریم ها و اغتشاشات سیاسی برای اقتصاد ونزوئلا به وجود آمده است این است که نرخ تورم در این کشور افزایش پیدا کرده است و نرخ مبادله واحد پول ونزوئلا در مقابل دلار کاهش یافته است. این نکته بسیار مهمی است زیرا اقتصاد ونزوئلا به طور فزاینده ای قابلیت جبران این اثرها را دارد. داده های بانک جهانی از سال ۲۰۰۲ تا ۲۰۱۳ نشان میدهند که بر اساس سرشماری ها تعداد فقرا بر اساس معیار خط فقر در این کشور در سال ۲۰۱۲ به ۲۵ درصد کاهش یافته است که این مقدار به طور متوسط نسبت به پنج سال پیش از کاهش ۵ تا ۷ درصدی را نشان میدهد. همچنین این آمارها بیان می کنند که تا پایان سال ۲۰۰۷ بهبود زندگی روستایی و آب آشامیدنی در آن مناطق به میزان ۷۵ درصد رشد داشته است و امید به زندگی در این کشور ۷۴ سال است که این روند در طول سال ها گذشته دارای سیر صعودی بوده است. اگرچه GDP در سال ۲۰۱۴ به اندازه ۵/۲ درصد نسبت به سال قبل کاهش پیدا کرده است کارشناسان معتقدند که بیشتر این عدم تعادل اقتصادی به خاطر وضعیت متشنج سیاسی است که به خاطر تحریم ها و کارشکنی های دولتهای سلطه در این کشور به وجود آمده است؛ اما بر اساس پیشبینی های بانک جهانی اگر ونزوئلا بتواند این بحرانهای سیاسی را پشت سر بگذارد میتواند همان روند رشد خود را در اقتصادش ادامه بدهد زیرا این کشور توانسته در دوران تحریم ها تمهیدات خوبی را برای مقابله این مسئله فراهم آورد. برای اطمینان بیشترنگاهی نیز به نرخ بیکاری در ونزوئلا می اندازیم بر اساس آمار نرخ بیکاری ونزوئلا از ۲۰ درصد در سال ۲۰۰۲ به ۵/۵ درصد در سال ۲۰۱۴ کاهش پیدا کرده و چنین نرخ پایینی از بیکاری نشان میدهد است که وضعیت آنچنان هم بد نیست و تحریم های جدید اعمال شده توسط آمریکا و کارشکنی های این کشور در ونزوئلا عدم ثبات سیاسی به وجود آورده است. اما کارشناسان از افزایش تورم در ونزوئلا ریشه یابی کرده اند علت آن را چنین دانسته اند که این مشکل به خاطر فاصله کاذبی است که در بین نرخ دولتی ارز و نرخ بازاری آن وجود دارد این فاصله تا اواخر سال ۲۰۱۰ بسیار کوچک بود و نگرانی به وجود نمی آورد اما به خاطر بستن و خدشه دار کردن سرمایه گذاری های خارجی ونزوئلا به خاطر تحریم ها این مشکل پدید آمد. ونزوئلا به خاطر تحریم ها و فشارهای وارده از طرف آمریکا

مجبور به این شد که برای تأمین مالی شرکتهای نفتی خود PDVSA ارز خارجی را به قیمت‌های خیابانی بفروشد. وجود این فاصله در نرخ ارز در ونزوئلا باعث نگرانی‌هایی در جامعه و عدم ثبات در اقتصاد شده است. نرخ ارز یکسان و از بین بردن نرخ‌های بالاتر از نرخ‌های رسمی است خیابانی که معمولاً یک از ریشه‌های این مشکل است زیرا سبب شده است که فعالیتهای اقتصادی تولیدی کمتر انجام شود و بیشتر روی به سوی قاچاق ارز و فعالیتهای غیرقانونی در اقتصاد آورده شود. تحلیلگران پیشنهاد میکنند برای اینکه ونزوئلا بتواند از این بحران‌هایی یابد باید بتواند به خانوارهای ضعیف و آسیب دیده کمک‌های جبرانی خودش را برساند، دیگر آنکه به جای اینکه یارانه‌های دولتی بر کالاها تعلق بگیرد ونزوئلا باید یارانه‌ها را به افراد در جامعه پرداخت کند و فشار مالیاتی را از روی خانوارهای ضعیف بردارد. این برنامه‌ای خواهد بود که میتواند که عدالت اجتماعی بیشتری را به ارمغان بیاورد. دولت مادورو میتواند یکسان‌سازی نرخ ارز دوباره به پول ونزوئلا به ارزش اصلی خود بازگرداند و این قدم دیگری است که ونزوئلا میتواند در راستای متعادل‌سازی اقتصاد بردارد. سیاست‌های یکسان‌سازی نرخ ارز و اصلاح سیستم مالیاتی در ونزوئلا و تشویق مردم به پس‌انداز پول خود ونزوئلا میتواند فضایی را ایجاد کند که دوباره به ونزوئلا اجازه دهد تا مسیر توسعه را در اقتصاد خود پیش بگیرد. (ماهنامه‌ی تحلیلی ترویجی و گفتمانی پدافند اقتصادی)

### جمع بندی

مقاوم‌سازی اقتصاد پدیده‌ای جدید نیست و تجربه‌هایی از این مقاوم‌سازی در کشورهای مختلف وجود دارد؛ البته نباید فراموش کرد که اقتصاد مقاومتی مطرح شده از سوی مقام معظم رهبری همه آن چیزی نیست که تجربه شده است؛ چنین الگویی برآمده از اسلام است و در قالب الگوهای مطرح شده از راهبردهای توسعه خالصه نمی‌شود؛ لذا آنچه در بررسی تجارب کشورهای دیگر اهمیت دارد، استفاده از چنین تجاربی است. یک از تجربه‌های برزیل پیرامون مقاومت اقتصادی به اتخاذ راهبرد صنعتی کردن از طریق جایگزینی واردات برمیگردد که به کارگیری چنین راهبردی حاصل نوسانات بازار این کشور به دلیل بحرانها و تجارت جهانی بود؛ لذا در ابتدا به منظور جبران ضررهای ناشی از چنین نوساناتی، رویکرد جایگزینی واردات کالاهای مصرفی انجام شد که موجب تقویت تولید داخلی و اتکا به درون شد. در کنار تقویت بخش صنعتی به صورت متوازن در دوره معجزه برزیلی رویکرد صادرات کالاهای صنعتی هم بیشتر مورد توجه قرار گرفت. یکی از درس‌هایی که از چنین تجربه‌ای میتوان گرفت و نتیجه مورد قبولی هم هست، این است که ورود به عرصه رقابت بین‌المللی اگرچه فوایدی میتواند داشته باشد، اما برای هر کشوری توصیه نمیشود. ورود به این عرصه، مستلزم ایجاد توان رقابتی در اقتصاد ملی است؛ لذا باید اقتصاد داخلی به یک حدی از توان برسد که در برابر نوسانات بیرونی آسیب جدی نبیند و لازمه این کار، اتکای به درون کشور و ایجاد استقلال اقتصادی است. (ماهنامه‌ی تحلیلی ترویجی و گفتمانی پدافند اقتصادی)

### ۸- رویکردهای توانمندسازی

کوبین و اسپریتیز با مطالعه میدانی در سطح مدیران میانی شرکت‌های پیش‌تاز، دو رویکرد متفاوت برای توانمندسازی تشخیص داده‌اند:

#### رویکرد مکانیکی (ارتباطی)

بر اساس این دیدگاه، توانمندسازی به معنای تفویض اختیار و قدرت از بالا به پایین، همراه با مرزها و محدودیت‌های روشن و پاسخگویی دقیق است که کنترل مدیریتی را افزایش می‌دهد. در این رویکرد توانمندسازی فرآیندی است که طی آن مدیریت ارشد یک بینش روشن تدوین کرده و برنامه‌ها و وظایف معین برای نیل به آن در سازمان ترسیم می‌نماید. او



اطلاعات و منابع مورد نیاز برای انجام وظایف را برای کارکنان فراهم می کند و اجازه می دهد تا آنان در صورت نیاز تغییرات رویه ای و اصلاح فرآیند ها را انجام دهند. در این رویکرد نتایج کار و فعالیت بیشتر تحت کنترل مدیریتی باشد و ساده سازی کار و وظایف مورد تأکید است. به طور خلاصه در این رویکرد توانمندسازی یعنی تصمیم گیری در یک محدوده معین.

### رویکرد ارگانیکی (انگیزی)

این رویکرد دیدگاهی از پایین به بالاست و کنترل را کاهش می دهد. بر اساس این رویکرد توانمندسازی برحسب باورهای شخصی افراد تعریف می شود. بر طبق این دیدگاه، افراد توانا دارای ویژگی های مشترکی هستند که تحت عنوان ابعاد توانمندسازی مدنظر قرار گرفته است. این ابعاد اقدامات خاص مدیریتی نیستند بلکه منعکس کننده تجربیات یا باورهای کارکنان در مورد نقش آنها در سازمان می باشد. بنابراین توانمندسازی چیزی نیست که مدیران برای کارکنان انجام دهند بلکه طرز فکر کارکنان در مورد نقش آن ها در سازمان می باشد. در عین حال مدیریت سازمان می تواند بستر لازم را برای توانمندتر شدن کارکنان فراهم نماید. اما باید کارکنان توانمند را گزینش و به کار گیرند. آن ها باید خودشان احساس کنند که دارای آزادی عمل و قدرت تصمیم گیری هستند، آن ها باید شخصاً احساس تعلق به سازمان کرده، احساس شایستگی و تبحر در مورد توانایی های خود کنند و شایسته تأثیرگذاری بر سیستمی باشند که در آن کار می کنند (صنعتی، ۱۳۸۶، ۳۰-۲۹)

### الگوی توانمندسازی چهار عاملی

چالشهای رهبری، فرهنگ و مسائل اقتصادی از یک سو، عناصر توسعه راهبردی منابع انسانی، از جمله: یادگیری سازمانی، نوآوری، توسعه کارکنان و کامیابی مشتری از دیگر سو، سازمانها را مجبور به جهت گیری راهبردی توانمندسازی کارکنان کرده است. برای تبیین و تشریح مدل راهبردی توانمندسازی کارکنان، ضروری است عوامل موثر بر توانمندسازی کارکنان مورد بررسی و تحلیل قرار گیرد. طبق پژوهش انجام شده توسط یاهیا ملهم، چهار عامل، ارتباط مستقیم و تاثیر بسزایی بر توانمندسازی کارکنان دارند که در محیط رقابتی بایستی به آن توجه خاص کرد تا سازمانها بتوانند پاسخگوی تغییرات سریع و با کیفیت بالا باشند، تا علاوه بر رضایت کارکنان، رضایت مشتریان را فراهم سازند.

براساس این الگو عوامل موثر بر توانمندسازی کارکنان عبارتند از:

#### 1. دانش و مهارت کارکنان

ارتقای مهارت و دانش کارکنان که رابطه مستقیمی با کارآفرینی و اثربخشی کارکنان دارد و جایگزینی دانشگران به جای صنعتکاران ناشی از تغییر پارادایم در توسعه منابع انسانی است و توسعه دانش و مهارت کارکنان برگ برنده سازمانهای دانشی است.

#### ۲. اعتماد

رهبران، نیازمند اعتماد و انتشار قدرت و پذیرش ایده های جدیدی هستند. جریان اطلاعات و دانش تاثیر مثبت بر این بعد و بر پاسخگویی و مسئولیت پذیری کارکنان دارد.

#### ۳. ارتباطات

ارتباطات دو جانبه وسیله‌های است که دانش کارکنان را در مجاری ارتباطی سازمان برای خدمت بهتر به مشتریان گسترش خواهد داد. توزیع اطلاعات برای کارکنان به منظور عملکرد بالای سازمان حیاتی است. کانالهای ارتباطی و اطلاعاتی در سازمانها موجب ارتقای دانش و اعتماد سازمانی نیز می‌شود.

#### ۴. انگیزه

توجه به نیازها و انگیزه‌های کارکنان و پرداخت پاداش بر اساس عملکرد در این مدل موردنظر است و پاداشهای معنوی (غیر مادی) نسبت به پاداشهای مادی از اهمیت بیشتر برخوردارند

#### الگوی توانمندسازی رابینز و همکاران

بر اساس بررسی‌های به عمل آمده توسط رابینز و همکاران، ارائه چارچوبی منسجم و یکپارچه برای روشن کردن نقش متغیرهای موضوعی، محیطی، شناختی و رفتاری در فرایند توانمندسازی مهم است، در این فرایند، روابط بین بافت سازمانی و عناصر محیط کاری (ساختار، منابع انسانی، اعمال مدیریت) مؤثر است (رابینز و همکاران، ۲۰۰۲).

در این مدل ادراک کارکنان، فرصت برای نفوذ بر نتایج کاری و ماهیت حمایتی سازمانی؛ اعتماد و تعهد، بر بافت سازمانی و محیط کاری تاثیرگذارند. مهمترین گام در فرایند توانمندسازی کارکنان، فراهم سازی محیطی است که فرصتی را برای ممارست افراد با میزانی از اختیارات و قدرت و انگیزش درونی در کارکنان به وجود آورد. بسیاری از مطالعات در مورد توانمندسازی، نشان می‌دهند که محیط، فرصتهایی را برای کارکنان فراهم می‌آورد. از این رو، محیطهای توانمند، فرصتها و محیطهای غیرتوانمند، محدودیتهایی را برای کارکنان به همراه می‌آورند. این به میزان نفوذی که جهت اثرگذاری بر پیامدهای کاری اعمال می‌شود، بستگی دارد. اگر کارکنان توانمند باشند ولی هنوز آن نفوذ لازم را نداشته باشند، فاقد اثر احتمالی فرصت یا حمایت محیطی هستند (رابینز و همکاران، ۲۰۰۲).

#### ۹- روش تحقیق

هدف تحقیق حاضر بررسی ارتباط بین توانمند سازی کارکنان و اقتصاد مقاومتی می‌باشد. بنابراین می‌توان اظهار نمود که این تحقیق از نوع کاربردی بوده و با توجه به وجود متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش و بررسی تاثیرات آنها بر هم، روش تحقیق توصیفی و از نوع پیمایشی می‌باشد.

#### جامعه پژوهش

جامعه آماری این تحقیق شامل کلیه کارکنان ادارات دولتی شهرستان مشهد می‌باشد مجموع کل این افراد تعداد ۱۱۹۵۱ می‌باشد. حجم نمونه در تحقیق حاضر براساس فرمول کوکران و در سطح خطای ۰.۰۵ برابر ۳۸۴ نفر محاسبه گردیده است.

#### پرسشنامه

به منظور گرد آوری اطلاعات از دو پرسشنامه استفاده شده است. پرسشنامه مرتبط با توانمند سازی کارکنان استاندارد بوده و پرسشنامه اقتصاد مقاومتی محقق ساخته می‌باشد. پرسشنامه توانمندسازی اسپریتزر در پنج بعد: احساس شایستگی در شغل، احساس داشتن حق انتخاب، احساس ارزشمندی، احساس معنی داری و احساس امنیت می‌باشد. همچنین سوالات پرسشنامه ی اقتصاد مقاومتی بر اساس مولفه‌های ذکر شده در بیانات مقام معظم رهبری تدوین شده است.

## روایی پرسشنامه

روایی به این معنا است که پرسش‌های آزمون به‌طور دقیق آنچه را که مورد نظر می‌باشد، می‌سنجد. روایی، جنبه‌های مختلف دارد و ارتباط بین پرسش و آزمودنی با توجه به کلیه جنبه‌های آن حاصل می‌شود. در این تحقیق به منظور بررسی روایی پرسشنامه، آن را در اختیاری افرادی از جامعه آماری و همچنین مدیران با سابقه و چند تن از خبرگان قرار دادیم و روایی آن پس از اصلاحات مورد تایید قرار گرفت

## پایایی پرسشنامه

پایایی قابلیت اعتماد یک ابزار عبارت است که درجه ثبات آن در اندازه‌گیری را مشخص می‌نماید. یعنی اینکه ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان تا چه اندازه نتایج یکسانی به دست می‌دهد. با آزمون آلفای کرونباخ با استفاده از نرم افزار SPSS 22 از داده‌های حاصل از ۳۰ پرسشنامه که در بین افراد خبره و جامعه آماری بدست آمده بود نتایج زیر بدست آمده است.

جدول ۱: پایایی پرسشنامه با استفاده از روش آلفای کرونباخ

شاخص	تعداد سوال	میزان آلفای کرونباخ
توانمند سازی	۱۷	۰/۹۱
اقتصاد مقاومتی	۱۳	۰/۸۳

منبع: یافته‌های پژوهش

با توجه به اینکه در هر دو مورد مقدار آلفای کرونباخ بزرگتر از ۰.۷ است به این نتیجه خواهیم رسید که پرسشنامه‌ها از پایایی لازم برخوردار می‌باشند.

## ۱۰- تحلیل داده‌ها

## آمار استنباطی

به منظور بررسی توزیع داده‌ها از آزمون کلموگروف اسمیرنوف استفاده خواهد شد. همچنین به منظور آزمون فرضیه‌های تحقیق از آزمون ضریب همبستگی پیرسون استفاده خواهد شد. مقدار این ضریب نشان‌دهنده قابلیت بیان یک متغیر به صورت تابعی یکنوا از متغیر دیگر است. همبستگی کامل پیرسون (+۱ یا -۱) زمانی اتفاق می‌افتد که متغیری تابعی یکنوا از متغیر دیگر باشد.

فرض  $H_0$ : بین دو متغیر  $X$  و  $Y$  رابطه‌ی معنا داری وجود ندارد.

فرض  $H_1$ : بین دو متغیر  $X$  و  $Y$  رابطه‌ی معنا داری وجود دارد.

## آزمون کولموگروف - اسمیرنوف

## جدول ۲. سطح معناداری آزمون کولموگروف اسمیرنوف

متغیر	sig	مقدار خطا	توزیع داده ها
احساس شایستگی در شغل	۰.۰۶۸	۰.۰۵	نرمال است
داشتن حق انتخاب	۰.۰۵۳	۰.۰۵	نرمال است
احساس ارزشمندی	۰.۱۲۱	۰.۰۵	نرمال است
احساس معنی داری	۰.۰۸۹	۰.۰۵	نرمال است
احساس امنیت و اطمینان	۰.۰۶۶	۰.۰۵	نرمال است
اقتصاد مقاومتی	۰.۱۳۵	۰.۰۵	نرمال است

منبع : یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها

هنگام بررسی نرمال بودن داده‌ها ما فرض صفر مبتنی بر اینکه توزیع داده‌ها نرمال است را در سطح خطای ۵٪ تست می‌کنیم. بنابراین اگر آماره آزمون بزرگتر یا مساوی ۰.۰۵ بدست آید، در این صورت دلیلی برای رد فرض صفر مبتنی بر اینکه داده نرمال است، وجود نخواهد داشت. به عبارت دیگر توزیع داده‌ها نرمال خواهد بود. جدول فوق نشان دهنده ی آن است که توزیع داده ها نرمال بوده و باید از آزمون های پارامتریک جهت بررسی همبستگی بین متغیر های مستقل و وابسته استفاده نمود.

## آزمون فرضیه های تحقیق

در جدول زیر نتایج تجزیه و تحلیل دلد ها به صورت کلی ذکر شده است.

نام متغیر	ضریب همبستگی پیرسون	عدد معنی داری (sig)	$\alpha$	رابطه معنی دار
توانمندسازی منابع انسانی و اقتصاد مقاومتی	۰/۵۸۳	۰/۰۰۰	۰/۰۵	وجود دارد
احساس شایستگی و اقتصاد مقاومتی				

وجود دارد	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۵۴۶	
وجود دارد	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۶۳۵	احساس داشتن حق انتخاب و اقتصاد مقاومتی
وجود دارد	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۴۳۸	احساس موثر بودن و اقتصاد مقاومتی
وجود دارد	۰/۰۵	۰/۰۰۰	۰/۶۰۹	احساس امنیت و اقتصاد مقاومتی

منبع : یافته های حاصل از تجزیه و تحلیل داده ها

با توجه به آزمون فرضیه فوق عنوان می کند که در سطح اطمینان ۹۵٪ با توجه به اینکه سطح معناداری کوچکتر از میزان خطاست لذا فرض  $H_0$  رد و  $H_1$  پذیرفته می شود و بدین ترتیب با احتمال خطای (۰.۰۵) در رابطه ی معنی دار قابل تأیید خواهد بود و بعبارت دیگر دلیل کافی مبنی بر رد نظریه محقق پیرامون فرضیه های مذکور بدست نمی آید و بایستی اذعان نمود که رابطه معنادار وجود دارد. رابطه مثبت (مستقیم) معنی داری وجود دارد.

#### ۱۱- نتیجه گیری

اقتصاد مقاومتی مفهومی اقتصادی که رشد و توسعه کشورمان در تمامی ابعاد فرهنگی، سیاسی، اجتماعی و ... را شامل می شود و ضامنی بر ارتقای خردجمعی و تحولات مثبت سازمان یافته در تمامی نهادها و ارگان های دولتی و بخش خصوصی به شمار می رود. تاکید بر "تأمین شرایط و فعال سازی سرمایه های انسانی و همچنین محور قراردادن رشد بهره وری در اقتصاد با تقویت عوامل تولید، توانمندسازی نیروی انسانی، افزایش رقابت پذیری اقتصاد، ایجاد زمینه رقابت بین مناطق و استانها و به کارگیری ظرفیت و قابلیت های متنوع جغرافیایی مناطق کشور که به عنوان اولین و سومین راهبرد کلی در حوزه "اقتصاد مقاومتی" ابلاغ شده است، به تنهایی گویای اهمیت نیروی انسانی در پیشبرد این سیاست ها است .

توانمند سازی کارکنان باعث بهره وری افزایش کارایی کارکنان ادارات دولتی خواهد شد. نتایج تحقیقات گوناگون نشان داده که نیروی انسانی بر بهره وری اقتصادی نیز تاثیر خواهد گذاشت. و اقتصاد مقاومتی نیز از این امر بی نیاز نیست. و تحقق آن متأثر نیروهای انسانی جامعه می باشد. مهمترین و حیاتی ترین دارایی هر سازمان، نیروی انسانی آن سازمان است. کیفیت و توانمندی نیروی انسانی، مهمترین عامل بقاء و حیات سازمان است. نیروی انسانی توانمند، سازمان توانمند را به وجود می آورد. از نظر « دراگر » رشد اقتصادی مرهون توانمند کردن کارکنان فرهیخته است. سازمان توانمند محیطی است که کارکنان در گروه های مختلف، در انجام فعالیتها با یکدیگر همکاری می کنند. توانمندسازی کارکنان، محوری ترین تلاش مدیران در

نوآفرینی، تمرکززدایی و حذف دیوان سالاری در سازمانها می باشد. توانمند کردن افراد موجب می شود تا مدیران و سازمان سریع تر و بدون اتلاف منابع به اهداف خود نائل شوند. توانمندسازی موجب می شود که کارکنان، سازمان و شغل را از آن خود بدانند و از کار کردن در آن به خود ببالند. بدون توانمندسازی، نه مدیران و نه سازمانها نمی توانند در درازمدت کامیاب باشند.

## ۱۲-پیشنهادهات

بانکیه بر سخنان مقام معظم رهبری یکسری پیشنهادات برای کشور جمهوری اسلامی ایران در نظر گرفته شده است که عبارتند از :

۱. حمایت از بخش های خصوصی
۲. مبارزه با مفاسد اقتصادی
۳. حمایت از تولید ملی
۴. راه اندازی واحدهای کوچک تولیدی
۵. مدیریت منابع ارزی
۶. استفاده از تولیدات داخلی در بخش دولتی
۷. توجه به شرکت های دانش بنیان

## مراجع

- [۱] بیانات مقام معظم رهبری در دیدار جمعی از کارآفرینان سراسر کشور،
- [۲] آقا نظری، حسن، (۱۳۸۵)، نظریه پردازی اقتصاد اسلامی، چاپ اول، انتشارات سمت، تهران.
- [۳] باغچقی رامین (۱۳۹۳) اقتصاد مقاومتی سرمایه گذاری نیروی انسانی ضرورت تشکیل انجمن خبرگی و مدیریت دانش، کنفرانس ملی بهینه سازی مصرف انرژی در علوم و مهندسی
- [۴] طالبی پور علی، (۱۳۹۲) ارائه مدلی جهت بهبود عملکرد کارکنان بانک ها در بخش خصوصی تحت شرایط اقتصاد مقاومتی مطالعه موردی: بانک اقتصاد نوین، نخستین کنفرانس ملی توسعه مدیریت پولی و بانکی سال انتشار
- [۵] صنعتی، زینب (۱۳۸۶)؛ بررسی رابطه بین آموزش های ضمن خدمت و توانمندسازی کارکنان؛ پایان نامه کارشناسی ارشد؛ دانشگاه نهران؛ پردیس قم.
- [۶] غلامی، نسرين (بدون سال)، توانمندسازی کارکنان، ماهنامه مهارت، شماره ۵۲، صص ۱۵-۱۲.
- [۷] محمدی، محمد (۱۳۸۱)؛ برنامه های توانمندسازی کارکنان؛ مطالعات مدیریت؛ شماره ۳۶-۳۵؛ دانشگاه علامه طباطبایی.
- [۸] نادری، ناهید؛ رجایی پور و سعید؛ جمشیدیان، عبدالرسول (۱۳۸۶)؛ مفاهیم و راهبردهای توانمندسازی کارکنان؛ تدبیر؛ شماره ۱۸۶.
- [۹] وتن دیوید، ای و کمرون، کیم اس (2010). «تواناسازی و تفویض اختیار» بدرالدین اورعی یزدی، انتشارات مؤسسه تحقیقات و آموزش مدیریت، تهران، چاپ دوم.
- [۱۰] ماهنامه ی تحلیلی ترویجی و گفتمانی پدافند اقتصادی، شماره ی چهارم، اسفند ۱۳۹۳

- [11] Briguglio, Lino, and Stephen Piccinino (2008), "Growth and Resilience in East Asia and The Impact of the 2007 Global Recession/Growth with Resilience in Asia
- [12] Briguglio, Lino, Gordon Cordina, Nadia Farrugia and Stephanie Vella,(2011) Profiling Economic Vulnerability and Resilience in Small States: Conceptual Underpinnings Economics Department, University of Malta.
- [13] Carter, M. (2001), Strategic planning ( in nonprofit or for profit organizations), <http://www.Strategicplanning.com>.
- [14] Melhem, Y. (2004), the antecedents of customer contact employees empowerment Employee Relation, Vol. 26 N.1, p.72-93.
- [15] Norma D'Annunzio-Gree and John Macandrew (1999); "Re-empowering the empowered - the ultimate challenge"; personnel Review; Vol.28; No.3; PP.258-278.